



## Investigating the Impact of NATO on the Southern Mediterranean with a Case Study of Security in Cooperation with Istanbul

**Amir Abbas Qasimpour**

PhD Candidate in Organizational Activity,  
Department of International Relations, Faculty of  
Political Science, Islamic Azad University, Central  
Tehran Branch, Tehran, Iran.

**Reza Jalali \***

Associate Professor of International Relations and  
Regional Studies, Faculty of Political Science,  
Islamic Azad University, Central Tehran Branch,  
Tehran, Iran.

**Ardeshir Sanaie**

Assistant Professor of International Relations,  
Faculty of Political Science, Islamic Azad  
University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran.

### Abstract

The North Atlantic Treaty Organization (NATO) is an alliance consisting of 29 countries from North America and Europe, which was established in Washington after the signing of the North Atlantic Treaty on April 4, 1949 between ten European countries, Canada and the United States for the purpose of collective defense, and its headquarters are in the capital city of Brussels in Belgium. At the time of its establishment, NATO had 12 official members, which were added to the number of member countries over time. The political geography of the countries around Iran have always had an important impact on the national security of the Islamic Republic. During different periods, many alliances and military pacts have been formed in the geographical spaces around Iran. The importance of Iran in terms of geopolitics has caused any type of military-security agreement to affect Iran's relations with other countries. One of the important international treaties that has been formed in the geographical environment surrounding Iran in the last 60 years is the North Atlantic Treaty (NATO). It was expected that with the dissolution of the Warsaw Pact, the NATO organization would also weaken and be abandoned. But with the efforts of the United States, not only this did not happen, but the field of NATO's missions and its scope of influence has been expanded. The change in the past missions of NATO and the creation of territorial and geographical scope to play a greater role in the North Atlantic Treaty, was the response of the US government to keep NATO in the path of the future plans of the United States at the global level, especially in the Caucasus region and Southeast Asia.

**Keywords:** NATO, North Atlantic, Warsaw pact, security

Received: 12/May/2024

Accepted: 31/August/2024

eISSN: 2783-4204

ISSN: 2783-3631

## بررسی تأثیر ناتو بر جنوب مدیترانه با مطالعه موردی امنیت در طرح همکاری استانبول

دانشجوی دکتری فعالیت سازمانی گروه روابط بین‌الملل، دانشکده علوم سیاسی  
دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

امیرعباس قاسم پور

دانشیار گروه بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آزاد  
واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

رضا جلالی \*

استادیار گروه بین‌الملل دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی،  
تهران، ایران.

اردشیر سنایی

### چکیده

سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو)، اتحادی متشکل از ۲۹ کشور از آمریکای شمالی و اروپاست که بعد از امضاء پیمان آتلانتیک شمالی در ۴ آوریل ۱۹۴۹ بین ده کشور اروپایی، کانادا و آمریکا با هدف دفاع جمعی در واشنگتن پایه‌گذاری شد و مقر آن شهر بروکسل پایتخت بلژیک است. ناتو در زمان تأسیس، ۱۲ عضو رسمی داشت که به مرور زمان به تعداد کشورهای عضو اضافه شد. جغرافیای سیاسی کشورهای پیرامون ایران، همیشه تأثیر مهمی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی داشته‌اند. در طول دوره‌های مختلف، بسیاری از ائتلاف‌ها و پیمان‌های نظامی در فضاهای جغرافیایی اطراف ایران شکل گرفته است. اهمیت ایران از نظر ژئوپلیتیک، موجب شده تا هر نوع پیمان نظامی-امنیتی، بر روابط ایران با سایر کشورها تأثیرگذار باشد. یکی از پیمان‌های مهم جهانی که در محیط جغرافیایی پیرامونی ایران ظرف ۶۰ سال گذشته شکل گرفته، پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) است. انتظار می‌رفت که با انحلال پیمان ورشو، سازمان ناتو نیز رو به ضعف نهاده و در نهایت کنار گذاشته شود ولی با تلاش‌های ایالات متحده، نه تنها چنین اتفاقی نیفتاد بلکه حوزه مأموریت‌های ناتو و دامنه نفوذ آن گسترش یافته است. تغییر در مأموریت‌های گذشته ناتو و ایجاد وسعت سرزمینی و جغرافیایی برای ایفای نقش بیشتر پیمان آتلانتیک شمالی، پاسخ دولت آمریکا برای حفظ ناتو در مسیر برنامه‌های آتی ایالات متحده در سطح جهان به‌خصوص منطقه قفقاز و آسیای جنوب شرقی بوده است.

کلیدواژه‌ها: ناتو، آتلانتیک شمالی، پیمان ورشو، امنیت

## مقدمه

افراد در برخورد با واژه‌ها بیشتر بر اساس اندوخته‌های ذهنی خود آن‌ها را ترجمه و تفسیر می‌کنند؛ مگر در مواجهه با واژه‌های تخصصی و فوق تخصصی که درباره آن‌ها هیچ اندوخته ذهنی ندارند. بیشتر افراد درباره واژه امنیت اندوخته ذهنی دارند. با یک تحقیقات میدانی ساده روشن می‌شود اصناف گوناگون مردم، ذهنیت و تفسیرهای متفاوتی برای واژه امنیت دارند. برخی امنیت را «احساس آرامش» تفسیر می‌کنند، بعضی آن را معادل «در امان بودن» می‌دانند و عده‌ای امنیت را «صلح» می‌دانند. همه این برداشت‌ها به نوعی صحیح و ویژگی خاصی دارند اما درواقع، تعریف نبوده و برداشت‌های شخصی از واژه امنیت هستند. ورود به عرصه نظریات دانشمندان علوم سیاسی و متخصصان امنیت، ما را به این امر واقف می‌سازد که این اختلاف نظر در مورد تعریف امنیت به صورت نسبی در این بخش نیز وجود دارد. هر پژوهشگر و دانشمند از زاویه‌ای به واژه امنیت نگریسته و بر اساس همان زاویه تعریفی ارائه کرده است. طبق روال این گونه پژوهش‌ها، نخست تعریف لغوی امنیت و سپس تعاریف اصطلاحی آن ارائه می‌شود. امنیت، مصدر صناعی و جعلی است. در تعریف مصدر صناعی می‌گویند، مصدری که از اضافه نمودن «یاء مشدد» و «تای مربوطه» به آخر هر اسمی ساخته می‌شود و معنای آن، صفت لازم آن اسم است، مانند انسانیت که معنایش صفت لازم انسان و جاهلیت که معنایش صفت لازم جاهل است. در مورد امنیت نیز این واژه، مصدر جعلی است که از افزودن یاء مشدد و تای مربوطه به آخر کلمه «امن» ساخته می‌شود و به معنای لازم «امن» یعنی «آرامش» است. همچنین، صاحب مفردات این واژه را چنین معنا کرده است: «اصل الامن طمأنینه النفس و زوال الخوف» (لمفردات فی غریب القرآن، ج ۱، ص ۹۰). با توجه به این معانی و اینکه خوف یک حالت درونی است که با توجه به روی دادن وضعیت و حالتی در خارج پدیدار می‌گردد، همان گونه که اگر انسان حیوان درنده‌ای را مقابل خود ببیند، وجود این حیوان درنده به عنوان یک عامل تهدیدکننده باعث خوفی می‌شود که یک حالت درونی است، امنیت نیز به قرینه مقابله یک حالت درونی است.

## چهارچوب نظری

یکی از موارد مهم و ضروری روابط بین کشورها، بحث و درک سیاسی دولت‌ها و جامعه بین‌المللی است. دولت‌ها در جامعه امروزی، در به دست آوردن اهداف خود مجبور هستند اتحاد و ائتلاف با دیگر کشورها را انجام دهند. تهدیدات کنونی جهان فقط با همکاری و ائتلاف برطرف می‌شود. با تصویب طرح «ابتکار همکاری استانبول»<sup>۱</sup> توسط سران ناتو در ژوئن ۲۰۰۴، گسترش همکاری با کشورهای منطقه خاورمیانه بزرگ صورت گرفت. دو نکته در این نشست از اهمیت خاصی برخوردار است؛ نخست، سران ناتو موافقت کردند گفتگوی مدیترانه‌ای ناتو را تقویت کنند و آن را به یک مشارکت بی‌نظیر تبدیل کنند. دوم، سران ناتو موافقت کردند از کشورهای علاقه‌مند در خاورمیانه بزرگ و با شروع از کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس شامل کشورهای بحرین، کویت، قطر، عمان، عربستان سعودی و امارات متحده عربی برای الحاق به این ابتکار دعوت به عمل آید. نگاه مسلط در غرب به خصوص ایالات متحده آمریکا، علت اصلی کوشش ایران برای افزایش نقش خود را افزایش «قدرت نسبی»<sup>۲</sup> در خاورمیانه می‌داند و نیز سیاست‌های رؤسای جمهور آمریکا در منطقه و رفتارهای نامنسجم رئیس‌جمهور ایالات متحده در قبال جمهوری اسلامی ایران را علت اصلی افزایش نقش منطقه‌ای ایران در نظر می‌گیرد. ناتو در دوران جنگ سرد، نقش منفرد و واحدی را ایفا کرد و با یک تهدید روبه‌رو بود. اگرچه ناتو همیشه اهداف دیگری نظیر بازسازی پس از جنگ در اروپای غربی و کمک به ورود آلمان غربی به جامعه دولت‌ها را دنبال می‌کرد اما این سازمان در وهله نخست، در واکنش به تهدید اتحاد جماهیر شوروی تشکیل شد و دفاع و بازدارندگی در برابر اتحاد شوروی، به عنوان

1. Istanbul cooperation initiative (ICI)

2. relative power

هدف اصلی آن شناخته می‌شد. از سوی دیگر، ناتو در دوران جنگ سرد نیز بحران‌های مکرری را تجربه کرد که بالقوه قابلیت تبدیل شدن به بحران‌های وجودی را داشتند؛ در این چارچوب می‌توان به خروج فرانسه از برنامه‌ریزی دفاعی و ساختارهای نظامی ناتو در دهه ۱۹۶۰، جنگ ویتنام، استقرار موشک‌های هسته‌ای کوتاه و میان‌برد در اروپا و غیره اشاره کرد. با این حال، اگرچه مناظرات جدی در مورد برخی سیاست‌های خاص در گرفت اما هر دو سوی آتلانتیک در مورد نیاز به ناتو و هدف اصلی آن اجماع داشتند. پایان جنگ سرد باعث شد تا مناظره‌ای بنیادین در ناتو شکل گیرد. در این خصوص، ناظران ابراز نگرانی کردند که در صورت فقدان تهدید خارجی که علت وجودی ناتو محسوب می‌شد، عوامل وحدت‌بخش ناتو از بین می‌رود. همچنین، از بین رفتن تهدید شوروی، احتمال خروج ایالات متحده از اروپا را مطرح می‌ساخت. علی‌رغم اختلافات و مناظرات پیش آمده، اعضای ناتو موفق شدند وحدت و اتحاد خود را مجدداً احیا کنند و آن را با چالش‌های امنیتی اروپا در فضای پس از جنگ سرد تطبیق دهند.

توافقنامه سازمان پیمان آتلانتیک شمالی در ۴ آوریل ۱۹۴۹ در واشنگتن توسط ۱۲ کشور امضا شد. این کشورها به دنبال مقابله با تهدید قریب‌الوقوع ناشی از ارتش عظیم و موضع تهاجمی اتحاد جماهیر شوروی بودند. این کشورها ناتو را با یک هدف ایجاد کردند؛ اطمینان از اینکه «حمله مسلحانه علیه یکی»، «حمله علیه همه آن‌ها تلقی شود» و از حمله به هر یک از آن‌ها جلوگیری گردد. این عبارات معروف از ماده ۵ معاهده در ماده ۵۱ منشور ملل متحد در مورد حق دولت‌ها برای «دفاع از خود به صورت فردی یا جمعی» گنجانده شده است و ناتو را کاملاً در چارچوب نظم مبتنی بر قوانین قرار می‌دهد. امروزه، تهدیدات ناتو آشناست. از نظر اعضای ائتلاف، این تهدیدها شامل روسیه تجدیدنظرطلب بوده که به دنبال گسترش مرزهای خود است. چین در حال ظهور نیز در کنار روسیه قرار می‌گیرد و در ادامه، دیگر قدرت‌های منطقه‌ای مانند کره شمالی و ایران که بازیگران غیردولتی را با سلاح‌های پیشرفته تغذیه می‌کنند و در عین حال به دنبال فناوری‌های نو هستند، از نظر ناتو تهدید محسوب می‌شوند. همچنین، ناتو با گسترش جنگ‌ها در حوزه‌های جدید و اثرات تغییرات آب‌وهوایی با موضوعاتی جدید روبه‌رو است. به نظر می‌رسد این پارامترها چرخه به‌ظاهر بی‌پایان رقابت بر سر منابع، افراط‌گرایی و تروریسم را تغذیه کند و این تحول منجر به جابه‌جایی جمعیت شده و در نهایت با افزایش بی‌ثباتی، فقر و فلاکت همراه شود. ناتو برای پاسخ به تهدیدات منطقه‌ای و جهانی، تعداد اعضا و میزان مشارکت‌های خود را گسترش داده و تمرکز خود را بر چگونگی کمک به برقراری صلح قرار داده است. اکنون، اعضای ناتو شامل ۳۲ کشور هستند اما درحالی که روسیه یک چالش فوری است، چین ممکن است چالش‌های بلندمدت و جهانی بیشتری ایجاد کند؛ بنابراین، ناتو به تعمیق گفت‌وگوها و همکاری‌های خود با شرکای جهانی ادامه داده و روابط با کشورهای آسیا-اقیانوسیه و خاورمیانه، از جمله شرکای سنتی خود مانند ژاپن، کره جنوبی، استرالیا، نیوزیلند و کشورهای دیگر را تقویت می‌کند. ناتو به تمرکز بر مسائل دفاعی سنتی ادامه خواهد داد. بسیاری از متحدان ناتو، دفاع ملی را نادیده گرفتند، به این امید که پایان جنگ سرد دوره‌ای از صلح و ثبات جهانی را آغاز کند. آن‌ها باید توانایی‌های دفاعی خود را بازسازی کرده و رفتارهای تاب‌آوری ملی را که در چند دهه گذشته از دست رفته، دوباره بیاموزند. این رفتار زمانی که نظم جهانی در دهه‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ آسیب دید، از بین رفت؛ به‌ویژه با جنگ ویران‌کننده علیه ترور که ملت‌ها را از تهدیدات بلندمدت جدا، تمرکزشان را از تهدیدات بلندمدت منحرف و هرج‌ومرج و اختلال وحشتناکی را در خاورمیانه ایجاد کرد؛ بنابراین، ضروری است که ناتو از نزدیک با شرکای خود در منطقه و آسیا-اقیانوسیه برای یافتن زمینه‌های مشترک و همکاری با یکدیگر در ارتباط باشد؛ چه در مورد مسائل نظامی سنتی مانند دفاع در برابر تهدید ناشی از تکثیر موشک‌ها و پهپادهای مسلح و چه در مورد مسائل دفاعی غیر سنتی مانند جنگ سایبری، جنگ اطلاعاتی و تطبیق فناوری‌های جدید توسط بازیگران دولتی و غیردولتی که می‌تواند صلح و امنیت را تهدید کند. همچنان ناتو می‌تواند نقش مثبتی در این موضوعات در خاورمیانه ایفا کند؛ هم

به عنوان یک الگو از نظر سازگاری و قابلیت همکاری و هم از طریق همکاری مستقیم برای افزایش دفاع ملی و انعطاف پذیری در منطقه. ناتو با ایجاد ابتکار دفاعی برای اقیانوس اطلس شمالی (مشابه پروژه‌های تحقیقاتی پیشرفته دفاعی ایالات متحده) و برنامه اقدام تولیدات دفاعی سال ۲۰۲۳ برای تقویت تعامل با صنعت نظامی و افزایش ظرفیت صنعتی در تمامی کشورهای عضو، گام‌هایی را برداشته است. این ابتکار بیش از ۲۰۰ مرکز نوآوری و فناوری در سطح جهانی را برای رسیدگی به مسائل امنیتی حال و آینده ایجاد خواهد کرد. این ابتکار از جمله به تهدیدات ناشی از هوش مصنوعی، جنگ سایبری، فناوری‌های پیشرفته موشکی، سیستم‌های خودمختار مرگبار، نوآوری‌های بیوتکنولوژی و افزایش رقابت در فضا خواهد پرداخت. این ابتکار بیشتر توسط سازمان علم و فناوری ناتو پشتیبانی می‌شود که بیش از ۵۰۰۰ دانشمند و مهندس از ۴۰ کشور متحد و شریک را گرد هم می‌آورد تا تهدیدات در حال تحول آینده را درک کرده و دانش را برای افزایش امنیت جهانی به کار گیرند (صدیقی، ۲۰۲۴).

بعد از جنگ جهانی دوم، پیمان آتلانتیک شمالی ناتو با سه هدف دور نگه داشتن روسیه از اروپا، تحقیر و رصد آلمان و پوشش امنیتی اروپا توسط آمریکا به وجود آمد. ناتو، مأموریت خود را با موفقیت انجام داد اما بنا به خاطرات سیاسی هارولد مک میلان، نخست‌وزیر دهه ۱۹۶۰ انگلیس، پیدایش پیمان نظامی ناتو با ترفند اروپایی‌ها برای جلوگیری از رفتن آمریکا از اروپا و استفاده از "قدرت سخت" آمریکا برای خدمت در اروپا انجام شد. بدیهی است ادامه حیات ناتو بیهوده است، مگر نقش بارزی برای ناتو ترسیم شود که اشاره به دو نکته ضروری است؛ اول، آمریکا هیچ‌گاه از عضویت در ناتو خشنود نبود. قدرت تکنولوژی نظامی و فرهنگ جنگ آمریکا با اروپا متفاوت است و آمریکا، ناخرسندی از مشارکت با اروپا از طریق ناتو در جنگ بوسنی را اعلام و نسبت به عدم تأمین بودجه کافی اروپا و "سواری مجانی بر دوش آمریکا" ابراز ناخرسندی کردند. آمریکا در تجاوز به افغانستان و عراق، هرچند ناتو در حالت آماده‌باش قرار داشت، چون آمریکا ملزم به هماهنگی با اعضای اروپایی ناتو بود، درخواست کمک نکرد. دولت ترامپ ماهیت وجودی ناتو را زیر سؤال برد و به اروپاییان برای عدم پرداخت بودجه لازم هشدار داد. اروپا نه توان رسیدن به سطح زرادخانه جنگی آمریکا را دارد و نه خواهان پرداخت هزینه جنگی بیشتر است. از سوی دیگر، خواهان قرار گرفتن زیر امر و نهی نظامی آمریکا نیست و مجادله برای سواری گرفتن از آمریکا ادامه دارد. دوم، معمولاً وقتی یک کشور با کشوری دیگر درگیر مناقشه می‌شود، دولت‌های طرفین مشخص و پاسخگو هستند اما وقتی به صورت گروهی در مقابله با یک کشور قرار می‌گیرند، مشخص کردن مجرم مشکل می‌شود. در ضمن، وقتی تعداد زیاد کشورها مشترکاً اقدام به عملیات نظامی می‌کنند، نه تنها طرف مقابل در گوشه رینگ قرار می‌گیرد بلکه سازمان‌های بین‌المللی و دیگر کشورها نیز معمولاً در طرف قوی قرار می‌گیرند. شوروی سابق برای مقابله با ناتو، پیمان نظامی ورشو را تشکیل داد. کشورها به صورت انفرادی در مواجهه با پیمان‌های جمعی، معمولاً در موضع ضعیف قرار دارند و برای مقابله، از اهرم کمتری برخوردارند. مسئولیت‌پذیری کشورها به اقدام دسته‌جمعی، نه تنها بر عهده کشوری خاص نیست بلکه تقییح و محکوم کردن دسته‌جمعی اعضای یک پیمان دشوار است. در این رابطه می‌توان به مثال سلسله مذاکرات سه دهه گذشته جمهوری اسلامی ایران با اتحادیه اروپایی اشاره کرد. سه کشور انگلیس، فرانسه و آلمان به نیابت از ۲۷ کشور اروپا در مقابل جمهوری اسلامی ایران قرار گرفتند. با توجه به موارد فوق، اروپا درصدد جایگزین کردن ناتو به جای آمریکا در خاورمیانه است. دولت ترامپ ناخرسندی از حضور در خاورمیانه و اخیراً عدم وابستگی به انرژی خاورمیانه را اعلام کرده است و توجیهی برای حضور در خاورمیانه ندارد؛ مگر اینکه اروپا بخواهد. همان‌طور که با خاتمه جنگ جهانی دوم، روزولت و ترومن رؤسای زمان جنگ آمریکا خواهان خروج نیروهای آمریکایی از اروپا بودند ولی نشد، این بار هم تفکر انگلیسی زمینه درگیر شدن ناتو در خاورمیانه را فراهم می‌کند. چه باید کرد؟ بدیهی است در اقدام اول باید اصل فرضیه را مورد کنکاش و اثبات قرار داد. در صورتی که اروپا درصدد جایگزینی

ناتو در خاورمیانه به جای آمریکا است، باید تدابیر لازم از نظر دفاع نظامی و شیوه مذاکره مدنظر قرار گیرد. دخالت غرب در خاورمیانه به اقدام مشترک اروپا و آمریکا یعنی اتحادیه اروپایی و ناتو با بیش از ۵۰ کشور علیه کشورهای خاورمیانه به خصوص جمهوری اسلامی ایران تبدیل می‌شود و از پیمان نظامی ناتو به عنوان اهرم مقابله استفاده خواهد شد. اگر اقدامی نظامی از سوی ناتو علیه جمهوری اسلامی ایران واقع شود، پاسخگو چه کشوری و کدام دولت خواهد بود؟ به نظر می‌رسد همان‌طور که انگلیس، فرانسه و آلمان در مذاکرات اتمی، طرف جمهوری اسلامی ایران بودند و در نهایت، نتیجه به ضرر جمهوری اسلامی ایران شد، اروپا برای استفاده از اهرم نظامی، به جای آمریکا که آسیب‌پذیر به نظر می‌رسد، ناتو را در مقابل جمهوری اسلامی قرار دهد. بدیهی است اروپا با ترفندی دیگر و با استفاده از اهرم ناتو به جای آمریکا، در صدد مهار و تمکین جمهوری اسلامی ایران است و باید در ایجاد بازدارندگی، برد دفاعی رسیدن به لندن در دستور کار قرار گیرد.

تصمیمات ناتو در قبال شورای روسیه و ناتو این گونه بوده است که ناتو از زمانی که تصمیم به اجرایی کردن دیدگاه پرزیدنت جورج اچ دبلیو بوش (بوش پدر) مبنی بر ایجاد صلح در کل اروپای آزاد گرفت، گام‌هایی را در این خصوص برداشت. این گام‌ها شامل مشارکت برای صلح تمامی کشورهای عضو OSCE و همچنین، عضویت شمار محدودی از کشورهای اروپای مرکزی در ناتو بود. شروع این اقدام در نشست سران ناتو در مادرید در جولای ۱۹۹۷ بود که با عضویت لهستان، جمهوری چک (که به‌طور اتفاقی هم‌مرز آلمان متحد بودند که این امر به تمامی کشورهای اروپا از جمله روسیه که توسط ناتو و اتحادیه اروپا محاصره می‌شد، اطمینان می‌داد) و مجارستان بود.

برای اینکه به اوکراین و روسیه نیز نشان داده شود که از این ساختار بیرون نگه داشته نخواهند شد، ناتو شروع به مذاکره درباره منشور ناتو-اوکراین (که خود من مسئول مذاکرات بودم) و مصوبه مؤسس ناتو-روسیه کرد که در ۱۷ مارس ۱۹۹۷ در پاریس به امضا رسید. این کار با هدف تعامل با روسیه و اروپا در خصوص امنیت و سیاست طراحی شد. یکی از اهداف این کار، ممانعت از آنچه بود که برای آلمان با امضای معاهده ورسالی اتفاق افتاد و نهایتاً این معاهده یکی از عوامل بروز جنگ جهانی دوم شد.

توافق ناتو-روسیه شامل ۱۹ زمینه همکاری احتمالی بین روسیه و ناتو بود که می‌توان در اینترنت آن‌ها را یافت. ناتو با روسیه در قالب شورای دائمی مشترک دیدار کرد. در یک طرف میز، اعضای ناتو بودند و در طرف دیگر هم روسیه بود. در سال ۲۰۰۲، نشست سران ناتو در روم و توافق مذکور طوری تغییر داده شد تا روسیه به عنوان یک شرکت‌کننده «برابر» با ناتو محسوب گردد و NRC (شورای ناتو-روسیه) ایجاد شد اما ۱۹ زمینه همکاری بدون تغییر باقی ماندند.

### ابتکار همکاری استانبول و توافق اخیر ناتو

تصویب سند ابتکار همکاری استانبول<sup>۱</sup>، سرآغاز روابط ناتو و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس به شمار می‌رود. هدف ابتکار استانبول، رسیدن به نوعی رژیم امنیتی است که با منافع کشورهای شورای همکاری خلیج فارس آمیخته باشد. در اجلاس سران ناتو در سال ۲۰۰۴ در شهر استانبول، سران این پیمان تصمیماتی را برای گسترش همکاری‌های این سازمان با دیگر کشورهای خاورمیانه تحت عنوان ابتکار استانبول (ICI) اتخاذ کرده بودند که می‌توان توافق اخیر را در راستای اجرایی کردن تصمیمات اتخاذشده در اجلاس استانبول دانست. یکی از اهداف تصویب سند ابتکار استانبول، پیوند زدن جدی امنیت منطقه خلیج فارس با امنیت اروپا-آتلانتیک بود. بر همین اساس است که در سفر اخیر «ینس استولتنبرگ»، دبیر کل ناتو به کویت، وی امنیت خلیج فارس را با امنیت کشورهای عضو ناتو مرتبط می‌خواند. درواقع، این پیوند بر مبنای تفسیر ناتو از امنیت بعد از جنگ سرد و تغییر اهداف، استراتژی‌ها و کارکرد این سازمان

1. Istanbul cooperation initiative



قابل تحلیل است؛ بدین معنا که ناتو با تفسیری موسع از امنیت تحت عنوان «امنیت مبتنی بر همکاری»<sup>۱</sup> که دربردارنده امنیت سخت (امنیت دولتی) و امنیت نرم (امنیت انسانی) است، قصد دارد ثبات را در محیط پیرامونی کشورهای عضو رواج دهد. بر همین اساس بود که ناتو در همکاری با شورای همکاری خلیج فارس، تأسیس مشارکت اروپا-آتلانتیک، تأسیس شورای دائم روسیه-ناتو، گفتگوی مدیترانه و مشارکت برای صلح را دنبال کرده است. ظاهراً جرائم سازمان‌یافته، مهار ایران، تروریسم و مهار گروه‌های تروریستی و افراطی، جلوگیری از شکل‌گیری جریان‌ات بی‌ثبات‌کننده در کشورهای شورای همکاری خلیج فارس و تأمین امنیت انرژی، از جمله تهدیداتی است که ناتو را به همکاری با کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس وادار کرده است. این موضوع منطبق با رویکرد ناتو در سند «مفهوم راهبردی نوین»<sup>۲</sup> است که اولین بار در سال ۱۹۹۱ منتشر شد. در خصوص گسترش همکاری‌های ناتو با کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس باید توجه داشت که هرگونه معماری و چارچوب جدید امنیتی برای منطقه خلیج فارس باید سه هدف را برآورده سازد؛ اول اینکه این چارچوب امنیتی باید دولت‌های منطقه خلیج فارس را از قبل امن‌تر سازد. دوم، این چارچوب باید بیش از آنکه سازوکارهای امنیتی منطقه را پیچیده‌تر سازد، آسان‌تر کند. سوم اینکه چارچوب امنیتی باید به اندازه کافی انعطاف‌پذیر و منسجم باشد تا در مقابل تغییرات داخلی و خارجی دوام بیاورد. چارچوب امنیتی مبتنی بر سند ابتکار همکاری استانبول مصوب ۲۰۰۴ میلادی نمی‌تواند اهداف سه‌گانه مذکور را محقق سازد. این چارچوب همکاری امنیتی، اولاً چارچوبی فراگیر و جامع نیست که تمام کشورهای منطقه از جمله ایران و عراق در آن احساس امنیت کنند. دوم اینکه یکی از محورهای این سند تهدید هسته‌ای ایران بوده که با توافق هسته‌ای و نظارت‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و اجرای داوطلبانه «ان پی تی» توسط ایران، یکی از ارکان تهدیدی مطرح‌شده در این سند با پرسش اساسی مواجه خواهد شد. به رغم آنکه سند ابتکار استانبول به لحظه تثبیت بر امنیت نرم و وجوهی از امنیت انسانی تأکید کرده ولی در عمل بر امنیت دولتی<sup>۳</sup> و تأمین امنیت نظام‌های عربی حاشیه خلیج فارس تأکید دارد. حضور ناتو در خلیج فارس و ایجاد نظم امنیتی با کشورهای شورای همکاری خلیج فارس در حالی است که امنیت در این منطقه از رهگذر مشارکت همه کشورهای عضو منطقه حاصل خواهد شد. اگرچه در زمان کنونی بسیار ایده‌آل خواهد بود که بتوان بر نظامی با مشارکت همه کشورهای حاشیه خلیج فارس و بدون مداخله کشورهای فرامنطقه‌ای سخن راند ولی نظم مطلوب و پایدار، نظامی بدون مداخله خارجی خواهد بود. تحقق چنین نظامی از طریق گذار از ذهنیت بازی با حاصل جمع جبری صفر به نوعی بازی با حاصل جمع جبری متغیر حاصل خواهد شد که در آن، منطق «موازنه قوا» حاکم نباشد و سه قدرت منطقه یعنی ایران، عراق و عربستان، تهدیدی علیه یکدیگر نباشند. تحولات کنونی منطقه نشان می‌دهد کنش‌های منطقه نتوانسته‌اند ذهنیتی فراگیر و غیرایدئولوژیک و گفتمان هویتی فراملی، فراگیر و متکثر ایجاد کنند.

## دلایل گسترش و توسعه ناتو به شرق و خاورمیانه

### مقابله با روسیه

رابطه روسیه-ناتو از اهمیت و شدت بیشتری برخوردار است. درواقع، رابطه ناتو با روسیه مهم‌ترین رابطه مشارکتی محسوب می‌شود. اهداف این رابطه نشان‌دهنده اهداف دیگر موافقت‌نامه‌های مشارکتی شامل ارتقای اعتمادسازی، غلبه بر گمانه‌ها و برداشت‌های اشتباه و مهیا کردن مبنایی برای مشارکت و همکاری است. با وجود این، رابطه روسیه-ناتو بسیار مسئله‌ساز بوده است (مدکالف؛ پیشین، ص ۱۹۲).

1. cooperative security  
2. new strategic concept  
3. state security

## سلاح‌های انهدام فراگیر

دولت‌های عضو ناتو در سالگرد پنجاهمین سال تأسیس ناتو در اجلاس سران آتلانتیک شمالی در ۲۳ و ۲۴ آوریل ۱۹۹۹ واشنگتن، مفهوم استراتژیک اتحادیه مخاطرات و چالش‌های امنیتی مورد اشاره را مورد توجه قرار دادند که عبارت‌اند از بی‌ثباتی و عدم اطمینان در حوزه یورو-آتلانتیک و اطراف آن و همچنین، بحران‌های منطقه‌ای پیرامون اتحادیه که به سرعت گسترش می‌یابند، مشکلات سیاسی و اجتماعی و اقتصادی جدی در برخی از دولت‌های عضو اتحادیه یا دولت‌های اطراف آن، رقابت‌های قومی و مذهبی، منازعات سرزمینی تلاش‌های شکست‌خورده و ناکافی جهت اصلاحات، نقض حقوق بشر و تنش‌هایی که ممکن است به بحران‌هایی منجر شود که بر ثبات حوزه یورو-آتلانتیک تأثیر گذارد، مصیبت‌ها و بلایای انسانی، منازعات مسلحانه نظیر منازعاتی که می‌تواند بر امنیت اتحادیه از طریق سرایت به دولت‌های مجاور اتحادیه و همچنین، دولت‌های عضو ناتو تأثیر بگذارد و یا از راه‌های دیگر، ممکن است بر امنیت سایر دولت‌ها اثرگذار باشد. این راه‌ها شامل تهدیدهای سلاح‌های هسته‌ای قوی که خارج از اتحادیه وجود دارند، تولید سلاح‌های کشتار جمعی، انتقال فناوری و امکاناتی است که در ساخت این گونه سلاح‌ها استفاده می‌شود. در این راهکار، همچنین تروریسم، جنایت‌های سازمان‌یافته و خرابکارانه، اختلال در جریان منابع حیاتی، موج کنترل‌نشده مهاجران و پناهندگان خصوصاً به‌عنوان نتیجه منازعات مسلحانه می‌تواند مشکلات و مسائلی برای امنیت و ثبات دولت‌های عضو اتحادیه ایجاد نماید (اعظمی، ۱۳۹۱، صص ۷۵۶-۷۵۵).

تمرکز اصلاحات ناتو از زمان حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر بر تقویت توانمندی ناتو برای مبارزه با تهدیدات امنیتی جدید سلاح‌های انهدام فراگیر و تروریسم بین‌المللی معطوف بوده است. از این‌رو، بحث در مورد نقش ناتو در توجه به این تهدیدات امنیتی، بحث جدیدی نیست. در دهه ۱۹۹۰، مباحث زیادی در میان متحدین در خصوص اینکه مبارزه با سلاح‌های انهدام فراگیر و تروریسم بین‌المللی باید بخشی از مأموریت‌های ناتو در دوران پس از جنگ باشد، صورت گرفت اما این مباحث در حل موضوع ناتوان ماندند. حملات ۱۱ سپتامبر توجه زیادی را متوجه ناتو در مبارزه با تروریسم بین‌المللی و سلاح‌های کشتار جمعی نمود و تغییرات مهمی در مورد نقش ناتو در این حوزه‌ها ایجاد کرد. در حال حاضر، مبارزه با سلاح‌های انهدام فراگیر و تروریسم بین‌المللی برای حفظ اعتبار ناتو در بستر استراتژیک متحول، ضروری تلقی می‌شود. بحث جاری در مورد نقش ناتو در مبارزه با تروریسم بین‌المللی و سلاح‌های انهدام فراگیر، صرفاً در این مورد نیست که ناتو می‌تواند بر تلاش‌های دیگر سازمان‌های بین‌المللی تلاشی دیگر بیفزاید بلکه دقیقاً به اهمیت آینده‌اش مربوط می‌شود (مدکالف، پیشین، ص ۱۲۵). بحث سلاح‌های انهدام فراگیر، اختلافات میان متحدین را در سه حوزه آشکار ساخت؛ برداشت از تهدید، استراتژی ناتو و اولویت‌های استراتژیک.

## اختلاف در نوع برداشت از تهدید

اختلاف در نوع برداشت از تهدید، نه تنها ویژگی مباحث درون ناتو بلکه ویژگی مباحث دیگر مکان‌های بحث و نظر بود. موضوع داشتن سلاح‌های انهدام فراگیر در برابر نیت توسل به این سلاح‌ها، نخستین حوزه اختلافات بود. تهدید، عامل توانمندی، نیت و آسیب‌پذیری است زیرا ارزیابی گستره تهدید سلاح‌های انهدام فراگیر به دانشی بستگی دارد که یک کشور دارای توانمندی سلاح‌های انهدام فراگیر و نیت توسل به آن بوده و قادر است از هر ضعف هدفش بهره‌برداری کند. برای مثال، در این رابطه، نزدیکی به خاورمیانه ضرورتاً متحدین اروپایی را در برابر سلاح‌های انهدام فراگیر، بیشتر از متحدین آمریکای شمالی آسیب‌پذیر نمی‌کند. در ضمن، از آنجاکه سلاح‌های بیولوژیکی و به‌ویژه سلاح‌های شیمیایی می‌توانند به‌طور مخفیانه و پنهانی تولید شوند، ارزیابی توانمندی یک کشور



می‌تواند بسیار مشکل باشد؛ درست همان‌طور که بحث‌های مرتبط با جنگ ۲۰۰۳ عراق نشان داد. با توجه به اینکه تهدید ناشی از سلاح‌های انهدام فراگیر روشن نیست، این توانایی در متحدین وجود دارد که در مورد ماهیت و گستره این تهدید به نتیجه‌گیری‌های متفاوتی برسند. در بحث‌های ناتو، ایالات متحده مایل بود توانمندی خودش را برجسته کند اما بسیاری از متحدین دیگر بر نیت دولت‌ها در داشتن سلاح‌های انهدام فراگیر تأکید می‌کردند و (در این میان) ترکیه بر آسیب‌پذیری ناتو تأکید داشت. ایجاد یک ارزیابی مشترک از تهدید درون ناتو به همان اندازه ایجاد یک اجماع در دیگر مکان‌های بحث و نظر مسئله‌ساز بود.

دومین مسئله، برداشت‌های متفاوت از ملموس بودن تهدید سلاح‌های انهدام فراگیر بود. هر چند متحدین در اینکه سلاح‌های انهدام فراگیر تهدیدی برای امنیت ناتو محسوب می‌شوند، اختلافی نداشتند و فوری‌ترین تهدید فراروی امنیت غرب بودند اما در برداشت ایالات متحده از فوری بودن این تهدید اختلاف نظر داشتند. این امر حتی در مورد برخی از متحدین مدیترانه که موقعیت جغرافیایی‌شان باعث قرارگیری آن‌ها در معرض تهدید بالقوه از سوی کشورهای تکثیرکننده این سلاح‌ها در حاشیه ناتو می‌شد، صدق می‌کند. باز هم در این رابطه، ترکیه استثناء بود. هر چند رهبران ناتو موافق بودند که تهدید سلاح‌های انهدام فراگیر نیازمند توجه است اما نبود احساس یک تهدید فوری بدان معنا بود که استدلال‌های تقویت‌کننده واکنش ناتو به سلاح‌های مزبور، فراسوی اقدامات دفاعی و پیشگیرانه، به حد کافی قانع‌کننده نبودند.

مشکل سوم، بی‌میلی بسیاری از متحدین اروپایی برای طرح تصویر تهدید بالقوه سلاح‌های انهدام فراگیر برای اروپا یا ایالات متحده بود زیرا در مقایسه با ایالات متحده، بحث تهدید سلاح‌های انهدام فراگیر در کشورهای ناتو تقریباً شکل نگرفته یا فوری نبود. در اولویت قرار دادن ابتکارات ناتو در این حوزه می‌تواند این برداشت را به وجود آورد که دولت‌ها اقدامات شایسته و مناسبی را برای حمایت از مردم خود در برابر تهدید سلاح‌های انهدام فراگیر انجام نداده‌اند.

### مشکلات ناشی از استراتژی

پیرامون توافق درباره واکنش مناسب ناتو به سلاح‌های انهدام فراگیر، چندین گزینه متفاوت سیاست‌گذاری وجود دارد که می‌توان به دیپلماسی، تصویب پیمان‌ها و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی، بازدارندگی، مهار و اجرا اشاره کرد. تصمیم در مورد اینکه کدام یک از این گزینه‌ها بهترین استراتژی محسوب می‌شود، بسیاری از اختلافات میان اعضای ناتو را نشان می‌دهد؛ درست همان‌طور که جنگ ۲۰۰۳ عراق نشان داد. با این حال، بحث در مورد نقش ناتو موضوعاتی را مطرح کرد که خاص ناتو است. به‌طور کلی، همه اعضا به‌جز ایالات متحده در خصوص تعقیب ابتکار سلاح‌های انهدام فراگیر در بستر ناتو محتاط بودند. با توجه به ماهیت بین‌المللی مسئله، تردیدهای ابراز شده در گذشته در مورد تناسب ناتو برای پاسخ به تهدید سلاح‌های انهدام فراگیر، یکی از جنبه‌های این بحث بود. با وجود این، دومین ملاحظه این بود که توانایی‌های نظامی اصلی ناتو می‌توانست به‌طور بالقوه مبارزه علیه سلاح‌های انهدام فراگیر را نظامی کند. در اینجا، گستره جغرافیایی مأموریت‌های ناتو مهم بود. مباحث سلاح‌های انهدام فراگیر، الزامات شفاف و روشنی برای بحث جغرافیایی داشت زیرا تا زمانی که ناتو خود را محدود به اروپا می‌کرد، تهدید سلاح‌های انهدام فراگیر برای نیروهای ناتو کمتر بود. این امر جدا از ترکیه (که همچنان آسیب‌پذیر است)، به این دلیل بود که بر اساس اطلاعات، تکنولوژی موجود به متخصصان بالقوه در خاورمیانه اجازه نمی‌دهد برای مثال جمعیت سرزمین ناتو یا نیروهای عملیاتی در اروپا را مورد هدف قرار دهند. با ارتقای ابتکارات مبارزه با سلاح‌های انهدام فراگیر، برخی متحدین مظنون بودند که تلاش‌ها برای تقویت توانایی ناتو به‌منظور برخورد با این تهدید پوششی بود برای

پنهان کردن مداخلات بالقوه فراسوی اروپا.

### رابطه میان اولویت‌های استراتژیک و اعتبار ناتو

علاوه بر اختلافات در برداشت از تهدید و استراتژی، محتاط بودن بسیاری از متحدین ناشی از این واقعیت بود که موضوع تشکیل‌دهنده تلاش‌های ایالات متحده برای تقویت نقش ناتو در مقابله با سلاح‌های انهدام فراگیر و تا حدی تروریسم، این دغدغه بود که ناتو باید همچنان در برابر فوری‌ترین تهدیدات امنیتی آماده باشد. برخلاف ایالات متحده که ابتکارات سلاح‌های انهدام فراگیر را معیار کلیدی در تضمین اعتبار و استراتژی ناتو تلقی می‌کرد، بسیاری از متحدین، پرداختن به سلاح‌های انهدام فراگیر را اولویت استراتژیک ناتو تلقی می‌کردند؛ هرچند آن‌ها موافق بودند که این سلاح‌ها یک تهدید است. به دلیل این اختلافات، نه مبارزه با تهدید ناشی از سلاح‌های انهدام فراگیر و نه مبارزه با تهدید ناشی از تروریسم، هیچ‌کدام به مؤلفه کلیدی اصلاح پس از جنگ سرد ناتو تبدیل نشد. پاسخ ناتو به سلاح‌های انهدام فراگیر و تروریسم، همچنان یک موضوع بسیار انتزاعی بوده و ضرورت اصلاح به‌جای بالفعل شدن، بالقوه مانده است. برخلاف ایالات متحده، نقش ناتو در پاسخ به تکثیر سلاح‌های انهدام فراگیر و تروریسم در دستور کار اصلی بیشتر متحدین قرار نگرفت. این رویکرد در سپتامبر ۲۰۰۱ تغییر یافت (مدکالف، پیشین، صص ۱۴۱-۱۳۹).

### گفتگوهای مدیریتانه‌ای

سران ناتو در ۲۸ ژوئن سال ۲۰۰۴ در استانبول طرحی را موسوم به "ابتکار همکاری استانبول" به تصویب رساندند. سران ناتو در این اجلاس تصمیم گرفتند با هدف تحقق یک همکاری هدفمند در بین کشورهای بیشتری از حوزه خاورمیانه، زمینه مشارکت ۷ دولت منطقه‌ای مدیریتانه اعم از الجزایر، مصر، اسرائیل، اردن، موریتانی، مغرب و تونس را فراهم سازند. هدف از برگزاری گفتگوهای مدیریتانه‌ای، ایجاد شرایط مناسب برای گسترش همکاری‌های زیربنایی بود. موضوعاتی همچون همکاری‌های چندجانبه، شفاف‌سازی و اعتمادسازی را می‌توان در زمره اصلی‌ترین اهداف گفتگوهای مدیریتانه‌ای نام برد. آزادی عمل فراوان ایالات متحده در سراسر مدیریتانه و اروپا نیز ممکن است تحت تأثیر روند گسترش سلاح‌های هسته‌ای قرار بگیرد. شدت گرفتن بحران در اروپا ناشی از بحران‌های خاورمیانه، عواقب عملیاتی و دیپلماتیکی را در پی خواهد داشت. هرچه اروپا آسیب‌پذیرتر باشد، خواهان نقش فعال‌تری در دیپلماسی خاورمیانه خواهد شد و این مسئله نیز بر توانایی ناتو جهت حل مشکلات خارج از اروپا تأثیرگذار خواهد بود. هم‌زمان، قرار گرفتن مناطق مرکزی اروپا در معرض ماجراجویی‌های کشورهای خاورمیانه، چشم‌انداز دسترسی ایالات متحده به امکانات بخش‌های جنوبی اروپا و ترکیه و همچنین، عملیات اعزام نیرو به شمال آفریقا، خاورمیانه یا حتی منطقه بالکان را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد. در این شرایط، ایالات متحده و متحدانش، دیگر منطقه امنی که در آن به برنامه‌ریزی و تقویت توان نظامی خود پردازند، در اختیار نخواهند داشت. این گونه موارد به نوبه خود، تا حد زیادی به ارائه پدافند دفاعی مؤثر در برابر حملات موشکی بستگی خواهد داشت.

جدا از مشکلات فنی سیستم‌های دفاع موشکی در منطقه جنوبی، برای مقابله با این گونه خطرات در اطراف مدیریتانه نیز باید اقدامات مناسبی انجام شود. علی‌رغم اینکه ناتو بیشتر روی چالش‌های مربوط به گسترش سلاح‌های هسته‌ای متمرکز است، موانع موجود می‌تواند مشکلات بیشتری را نیز ایجاد کند. متحدین منطقه جنوبی معتقدند ایالات متحده نوعی سیستم دفاع موشکی سیار (TMD) را در این منطقه تعبیه خواهد کرد. هزینه زیاد این گونه سیستم‌ها، امکان مشارکت متحدین جنوبی در مشارکت در توسعه سیستم دفاع موشکی سیار بالستیک (TBMD) را کم خواهد کرد.

[ایتالیا از طریق سیستم دفاع هوایی بسط داده‌شده (MEADS) و احتمالاً ترکیه از طریق برنامه دفاع موشکی اسرائیل تا حدودی استثناء محسوب می‌شوند]. دوم اینکه فقدان پیوندهای ارتباطی مدرن در منطقه جنوب غربی، ریسک خطرات موشکی و سلاح‌های کشتار جمعی به‌ویژه در مواردی همچون زمان هشدار و دفاع مدنی را پیچیده‌تر می‌کند. متحدان منطقه‌ی جنوبی اروپا (به استثناء ترکیه) نسبت به اخذ استراتژی‌های منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای، نگاه مثبتی نداشته و ترجیح می‌دهند با رویکردهای سیاسی به این مسئله بپردازند چرا که ماهیت و پویایی این گونه موارد را عمدتاً رابطه میان کشورهای جنوبی تلقی می‌کنند.

اگر گسترش موشکی و سلاح‌های کشتار جمعی را نگرانی‌های «سخت» در طیف امنیتی در نظر بگیریم، تروریسم و سرایت خشونت‌های سیاسی نیز به همان اندازه در این طیف نقش خواهند داشت. هم‌اکنون مبارزات سیاسی خشن در الجزایر گسترش یافته و مسئله تروریسم را در کشورهای فرانسه و بلژیک به وجود آورده؛ تا جایی که مقامات عالی‌رتبه در دو سوی اقیانوس اطلس به‌شدت نگران گسترش بالقوه تروریسم از سوی شبکه‌ها و گروه‌های مسلح اسلامی (GIA) و یا مهاجران شمال آفریقا هستند. مسئله کردستان و خشونت‌هایی که از طریق فعالیت‌های حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک) به اروپا وارد شده، کشوری همچون آلمان با حدود دو میلیون شهروند ترک‌تبار را که دست کم یک‌سوم آن‌ها کرد هستند، در معرض مناقشات زیادی قرار داده است. همچنین، ایتالیا و یونان وادار شدند به‌صورت دیپلماتیک، مانع از حضور عبدالله اوجالان رهبر پ.ک.ک به‌عنوان یک پناه‌جو شوند تا از اصطکاک بیشتر روابط با آنکارا جلوگیری به عمل آورند. وقتی ترکیه توانست اوجالان را دستگیر کند، این مسئله به اعتراضات کردهای سراسر اروپا منجر شد و بدین ترتیب، مسئله کردستان ویژگی‌های فراملی پیدا کرد. ضمناً رابطه مهمی میان فعالیت‌های تروریستی در حوزه دریای مدیترانه، قاچاق مواد مخدر و جنایات فرامنطقه‌ای وجود دارد. پ.ک.ک صرفاً نمونه‌ای مهم در این زمینه به شمار می‌رود.

مناقشات موجود در بخش جنوبی بالکان و احتمال ایجاد منازعات جدید در آلبانی، کوزوو و مقدونیه می‌تواند به سایر مناطق اروپایی نیز گسترش یافته و امنیت یونان و ایتالیا را تحت تأثیر خود قرار دهد. هر دو کشور از پیش، تحت تأثیر مسائلی همچون قاچاق اسلحه، جنایت، هجوم پناهندگان و تروریسم بالقوه مرتبط با مناطق آشوب‌زده حوزه دریای آدریاتیک بوده‌اند. طی دهه گذشته، آتن و رم ناچار شده‌اند با مشکلات سیاسی، اجتماعی و امنیتی فراوانی که توسط پناهجویان بالکان و کردها به وجود آمده، مقابله کنند. در همین دوران، ترکیه نیز مجبور به بررسی ورود بیش از ۱۰۰۰۰۰ ترک‌تبار از بلغارستان شد و در نتیجه تحولات یا درگیری‌های بیشتر در منطقه بالکان می‌تواند نواحی شمالی کشور عراق را با تأثیرات جدی روبه‌رو سازد. اسپانیا و پرتغال نیز در مقیاسی کوچک‌تر با مسئله مهاجرت غیرقانونی از کشور مغرب دست‌به‌گریبان بوده و نگران‌اند آشفتگی‌های موجود در سراسر حوزه مدیترانه منجر به مهاجرت‌های بیشتر و گسترده‌تری شود.

## نتیجه

در حال حاضر، ناتو با تمامی کشورهای آسیای میانه و قفقاز دارای موافقت‌نامه‌هایی در زمینه‌های مختلف، به‌ویژه در زمینه نظامی و امنیتی در قالب برنامه «مشارکت برای صلح» و شورای همکاری یورو-آتلانتیک است. به‌علاوه، به دنبال تشکیل «ابتکار همکاری استانبول» در سال ۲۰۰۴، زمینه برای همکاری هرچه بیشتر ناتو با کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس مهیا شد. در حال حاضر، ناتو با تمامی اعضای این شورا همکاری‌های نظامی، امنیتی و اطلاعاتی دارد و پیش‌بینی می‌شود که با توجه به علاقه طرفین، بر حجم این همکاری‌ها افزوده شود. به‌عنوان نمونه، طی چند سال گذشته نیروهای آلمانی و فرانسوی با هدف تقویت و آماده‌سازی ارتش جدید عراق، افسران این کشور را در

پادگان‌های امارات متحده عربی آموزش داده‌اند. همچنین، نیروهای ناتو در «پادگان رستمیه» در حوالی بغداد، وظیفه آموزش بخشی از نیروهای نظامی عراق را بر عهده گرفته‌اند (سازمان همکاری استانبول، ۲۰۰۸).

ضمن اینکه پیمان آتلانتیک شمالی در اجلاس لیسبون پرتغال توانست موافقت ترکیه را برای ساخت بخشی از سپر دفاع موشکی ناتو در این کشور به دست آورد. بر اساس این توافق، قرار شد به جای ایجاد سپر دفاع موشکی آمریکا در چک و لهستان که توسط اوپاما به حالت تعلیق درآمده بود، سپر دفاع موشکی ناتو در ترکیه ایجاد شود. از آن زمان تاکنون، مقدمات راه‌اندازی این سامانه در ترکیه ایجاد شد و این سامانه هم‌اکنون فعال شده است. این سامانه، توانایی نظارت و مانیتورینگ فعالیت‌های کشورهای همسایه ترکیه به فاصله ۲۵۰۰ کیلومتر مربع را دارد. سامانه دفاعی ترکیه، بخشی از سپر دفاع موشکی ناتو در اروپا بوده که قرار است تا سال ۲۰۱۸ سایر بخش‌های این سامانه که در کشورهای ایتالیا، اسپانیا و برخی کشورهای اروپایی شمالی است، فعال و عملیاتی گردد. این سامانه به شکلی طراحی شده است که می‌تواند در حداقل زمان ممکن، موشک‌های شلیک‌شده را شناسایی و منهدم نماید.

تحولات ماهوی ناتو که طی چند سال اخیر صورت گرفته، حاکی از آن است که پیمان فراآتلانتیک از حالت یک سازمان دفاعی متصل، غیرقابل‌انعطاف و یک سازمان دفاعی صرف، به یک اتحاد امنیتی چندوجهی تحول یافته است. در این راستا می‌توان گفت، ناتو در زمان جنگ سرد فقط در مقابل پیمان ورشو معنا می‌یافت که توانسته بود به مدت چهار دهه، با وجود عدم انجام عملیات نظامی وسیع و پایبندی به ویژگی تدافعی بودن خود، مانعی بزرگ را در مقابل سیاست‌های تهاجمی بلوک شرق در جهانی دوقطبی ایجاد نماید اما امروزه، موضوعات جدیدی مثل تروریسم، امنیت انرژی و دیگر مسائل را در بر می‌گیرد. به عبارتی، امروزه ناتو، اروپامحوری خود را از دست داده و رویکردی جهان‌محور برای خود برگزیده است.

درس اصلی دوران پس از جنگ سرد این است که حیات و بقای ناتو گریزناپذیر نیست بلکه به توانایی‌اش در پاسخ به جریانات و شرایط و استراتژیک متحول و نشان دادن اعتبار مداومش در جهان پس از جنگ سرد و پس از حملات ۱۱ سپتامبر بستگی دارد. در پرتو محیط امنیتی جدید و تمهیدات مطرح‌شده، ناتو مجبور است به‌منظور تضمین اعتبار موجودش در معماری امنیتی غرب، دست به یک فرآیند اصلاح چندجانبه بزند.

در شرایط متحول کنونی، تمام کنش و واکنش‌ها، ابتکارات و اقدامات ناتو در راستای مهم‌ترین اولویت ناتو یعنی مبارزه علیه تروریسم و مسائل مربوط ازجمله تولید و تکثیر تسلیحات کشتارجمعی است؛ بنابراین، می‌توان پیش‌بینی کرد که در پرتو تجربیات به‌دست‌آمده ناتو در زمینه مبارزه با تروریسم در سال‌های اخیر، ایفای نقش اتحادیه در این زمینه با دقت و جدیت بیشتری دنبال شود.

بر این اساس، آنچه امروزه با آن مواجه هستیم، مجموعه تحولاتی است که در درون ناتو رخ داده است زیرا پس از جنگ سرد، نوعی خلأ وجودی در درون این سازمان شکل گرفت. فارغ از تعریفی که آمریکا برای آینده ناتو ارائه داده بود، حوادثی در درون این اتحاد رخ داد که شرح وظایف جدیدی را برای این سازمان تعریف کرد که ازجمله آن‌ها می‌توان به طرح‌هایی تحت عنوان مشارکت برای صلح، گفت‌وگوی مدیترانه، شورای ناتو-روسیه، برنامه گفت‌وگوی استراتژیک و غیره اشاره کرد.

در حال حاضر، متحدین ناتو با برخی از بزرگ‌ترین چالش‌ها از زمان پایان دو جنگ جهانی دست‌وپنجه نرم می‌کنند. هنوز در مورد جهانی که در آن تهدیدات امنیتی متنوع و گوناگون و پاسخ دادن به آن دشوار است، توافق گسترده‌ای میان اعضای ناتو به چشم نمی‌خورد. با وجود این، همان‌طور که همیلتون تصریح کرده است: «آزمون متحدین، نبود تفاوت و اختلاف نیست بلکه توانایی مدیریت این اختلافات به روشی است که نقاط قوت و چشم‌اندازهای مشترک گرد هم آیند و آن‌ها را در یک جهت مشترک هدایت کنیم».

## منابع

- اعظمی، نبی‌الله. (۱۳۹۱). ناتو، سیستم امنیت دسته‌جمعی و تحولات آن پس از جنگ سرد. فصلنامه سیاست خارجی، ۱۶(۳).  
 امینیان، بهادر. (۱۳۸۴). ناتو و گسترش آن. تهران: انتشارات دانشگاه امام حسین.  
 دارمی، سلیمه. (۱۳۸۶). ناتو در قرن بیست‌ویکم (چاپ اول). تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.  
 سریع‌القلم، محمود. (۱۳۹۵). نظام بین‌الملل و ژئوپلیتیک جدید خاورمیانه. پژوهشنامه علوم سیاسی، ۱۲(۱)، ۱۰۱-۱۴۰.  
 فرسای، شهرام. (۱۳۸۲). تحولات نوین سیاسی و امنیتی اتحادیه اروپا. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.  
 کامل، روح‌الله. (۱۳۸۳). مقدمه‌ای بر رئالیسم تهاجمی. ماهنامه نگاه، ۴(۳۸).  
 لیتل، ریچارد. (۱۳۸۹). تحول در نظریه‌های موازنه قوا (ترجمه غلامعلی چگنی‌زاده، چاپ اول). تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.  
 مشیرزاده، حمیرا. (۱۳۸۶). تحول در نظریه‌های بین‌المللی. تهران: سمت.  
 مصلی‌نژاد، عباس. (۱۳۹۴). سیاست‌گذاری امنیت ناتو در عصر گسترش تهدیدهای هویتی و بحران‌های منطقه‌ای. فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ۵(۱۵)، ۱۳-۴۴.  
 مطهرنیا، مهدی. (۱۳۸۴). مبانی نظری دکترین امنیتی آمریکا در قرن ۲۱؛ کتاب آمریکا: ویژه دکترین امنیت ملی آمریکا. تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.  
 مک‌کالا، رابرت. (۱۳۸۷). پایایی ناتو پس از جنگ سرد (ترجمه علی اسماعیلی). مجله سیاست دفاعی، ۷(۴).  
 نصری، قدیر، و افتخاری، اصغر. (۱۳۸۴). روش و نظریه در امنیت پژوهی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.  
 نقیب‌زاده، احمد. (۱۳۹۰). تأثیر فرهنگ ملی بر رفتار سیاسی ایرانیان. تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.  
 واعظی، محمود. (۱۳۸۹). نقش قدرت‌های بزرگ در منطقه خلیج فارس و چالش‌های هژمونی آمریکا. فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، ۲(۶)، ۷-۴۷.  
 هادیان، ناصر. (۱۳۸۲). سازه‌نگاری: از روابط بین‌الملل تا سیاست خارجی. سیاست خارجی، ۱۷(۴)، ۴۵-۷۰.  
 Boat, R. M. (2002). NATO's Afghanistan challenge. *Los Angeles Times*.  
 Drew, S. N. (1995). *NATO from Berlin to Bosnia: trans-Atlantic security in transition*. Institute for National Strategic Studies, National Defense University.  
 Gordon, P. (2006). Back up NATO's Afghanistan forces. *International Herald Tribune*.  
 Graff, J. (2006). Old Alliance, New world. *Time Magazine*.  
 Hatfield, R. (2000). Nato's new strategic concept. *The RUSI Journal*, 144(6), 1-6.  
 Marcus, J. (2002). Analysis: NATO seeks new roles. *BBC New*.  
 NATO Fact sheets, the combined task forces concept (2000).  
 NATO Hand book (2001).  
 NATO Logistics Handbook, Chapter 3.  
 NATO Notes Brussel (2003). NATO Looks at the Gang of four's proposals.  
 Prystrom, J. (1994). NATO in the post-cold war era. *Pol. Q. Int'l Aff.*, 3, 25.  
 Schwartz, D. N. (1988). NATO's nuclear dilemmas. *The Brookings Institution*.  
 Sloan, S. R. (2005). *NATO, the European Union, and the Atlantic community: the transatlantic bargain challenged*. Rowman & Littlefield.

**استناد به این مقاله:** قاسم‌پور، امیرعباس، جلالی، رضا، و سنایی، اردشیر. (۱۴۰۳). بررسی تأثیر ناتو بر جنوب مدیترانه با مطالعه موردی امنیت در طرح همکاری استانبول. فصلنامه تحقیقات نوین میان‌رشته‌ای حقوق، ۴(۲)، ۸۹-۱۰۱.



Modern Interdisciplinary Research in Law is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.